



پیش بینی گرایش به طلاق براساس عوامل اجتماعی - فرهنگی ، انعطاف پذیری شناختی ، تنظیم هیجانی و طرح واره های ناسازگار اولیه در زوج های ایرانی ساکن ایران و مقیم کانادا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

خلاصه

مقدمه: هدف پژوهش حاضر پیش بینی گرایش به طلاق بر اساس انعطاف پذیری شناختی ، تنظیم هیجانی و طرح واره های ناسازگار اولیه در زوج های ایرانی ساکن ایران و مقیم کانادا بود.

روش کار: این پژوهش از لحاظ هدف جزء پژوهش های کاربردی و از لحاظ اجرا و شیوه گردآوری داده ها از نوع توصیفی همبستگی است. جامعه آماری پژوهش تمامی زوجین ایرانی که در داخل ایران و مقیم کانادا هستند و ۵ سال از زندگی مشترک آن ها گذشته باشد. از بین جامعه آماری پژوهش، تعداد ۲۴۰ زوج (۱۴۰ زوج ساکن ایران و ۱۱۰ زوج ایرانی مقیم کانادا) به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه گرایش به طلاق جانسون و مورو (۱۹۸۶)، پرسشنامه طرح واره یانگ (فرم کوتاه، ویرایش سوم، ۹۰ گویه ای)، پرسشنامه انعطاف پذیری شناختی دنیس و وندروال (۲۰۱۰) (CFI) و پرسشنامه تنظیم هیجان گراس و جان (۲۰۰۳) استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آزمون همبستگی و رگرسیون استفاده شد که نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین مولفه های فرهنگی و اجتماعی با طلاق زوجین رابطه ای وجود ندارد و رابطه بین طرح واره های ناسازگار اولیه با گرایش به طلاق مثبت و همبستگی بین انعطاف پذیری شناختی و تنظیم هیجانی با گرایش به طلاق منفی است.

نتایج: نتایج آزمون رگرسیون نشان داد مولفه های فرهنگی و اجتماعی قادر به پیش بینی طلاق زوجین نیستند و اینکه مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای بریدگی و طرد برابر با ۰/۲۳۶-، خود گردانی و عملکرد مختل برابر با ۰/۴۳۲، محدودیت مختل برابر با ۰/۱۸۷، دیگر جهت مندی برابر با ۰/۳۴۸، گوش به زنگی و بازداری برابر با ۰/۳۸۸، انعطاف پذیری شناختی برابر با ۰/۲۱۲- و برای تنظیم هیجانی برابر با ۰/۱۵۵- می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به مقدار آماره t بدست آمده از بین متغیرهای پیش بین، خود گردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت مندی و گوش به زنگی و بازداری به شکل مثبت و معنی داری گرایش به طلاق را پیش بینی می کنند.

کلمات کلیدی: گرایش به طلاق، انعطاف پذیری شناختی، تنظیم هیجانی، طرح واره های ناسازگار اولیه

فرشته تنهایی نوغابی ۱

علی اکبر تمری ۲*

حمید نجات ۳

۱ دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲ استادیار گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳ استادیار گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: draliakbarsamari@yahoo.com

مقدمه

در جوامع امروزی انواع مختلفی از خانواده ها وجود دارند که شامل خانواده های هسته ای، تک والدی، ناتنی^۱ و انواع متفاوت دیگری می شود. همراه با این تنوع خانواده ها، وقوع یک واقعه توان تغییر ساختار خانواده را دارا می باشد. طلاق حادثه ای پیش بینی نشده در خانواده است که بر هر یک از اعضای خانواده در زمان های مختلف و روش های متفاوت تاثیر می گذارد. اگرچه زوجین در نخستین روزهای ازدواج احساس تعهد دائمی به یکدیگر می کنند، اما برخی از آنها به مرور زمان دچار تعارض می شوند. تعارض زناشویی به عنوان تعامل بین زوج هایی در نظر گرفته می شود که علائق، دیدگاه ها و باورهای متضادی دارند. ۶۱ درصد افراد مطلقه تعارض بیش از حد را یکی از دلایل طلاق خویش گزارش کرده اند (گونزالس و ویتانن،^۲ ۲۰۱۷). در دیدگاه سیستمی، تعارض را ناشی از هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه و منابع قدرت در بین زوج ها می دانند (آقایوسفی، فتحی آشتیانی، علی اکبری و ایمانی فر،^۳ ۱۳۹۴). هر چند تعارض در هر رابطه نزدیکی پرهیز ناپذیر است ولی پیش در آمد جدایی همسران تعارضات زناشویی است که از بگومگوهای ساده آغاز شده تا درگیری های سهمگین گفتاری، کشمکش، کتک کاری و گاهی شاید تا جدایی گسترش یابد (آرین فرو پور شهریاری،^۴ ۱۳۹۶). گاتمن و لوینسون^۵ (۲۰۰۰)، به نقل از دیوید^۶ (۲۰۱۵) معتقدند با تحلیل ارتباط یک زوج می توان احتمال به بن بست رسیدن ازدواج و رسیدن به طلاق را پیش بینی کرد. اگر زوج ها بتوانند به شیوه مثبتی تعارضات را مدیریت کنند و توانایی حل آنها را داشته باشند، وجود تعارض فراوان آسیب زا نیست (سیفرت و شوارتز^۷، ۲۰۱۱). رابطه تعارض و رضایت زناشویی از پیشینه پژوهشی چندین ساله ای برخوردار است (دش و تایلر^۸، ۲۰۱۲). تعارضات

زناشویی، پیش در آمد جدایی زوج ها محسوب می شود (حاجی حیدری، اسماعیلی و طالبی،^۹ ۱۳۹۴). در نتیجه شایع ترین جلوه تعارضات جدید، یعنی طلاق بروز می کند (بهراری،^{۱۰} ۲۰۱۱).

طلاق، شایع ترین پیامد مخرب تعارض است و آمار بالای طلاق در کشورهای غربی گواه آن است، به طوری که شیوع آن به بیش از ۵۰ درصد می رسد (دی ویوجست^{۱۱}، ۲۰۱۷). طبق آمار رسمی در ایران از هر هزار مورد ازدواج، حدود دویست مورد به طلاق منجر می شود و ایران، چهارمین کشور جهان از نظر میزان نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است (نریمانی، عبارسی، بیگیان کله مرز و بختی،^{۱۲} ۱۳۹۳)، همچنین طبق آمارهای ثبت احوال کشور فقط در ده سال اخیر، نزدیک به یک میلیون طلاق در ایران روی داده است که در نتیجه آن، حدود دو میلیون زن و مرد، فقط در همین دهه گذشته، واقعه طلاق را در ایران تجربه کرده اند. در این راستا جامعه ایرانی نیز در دو دهه اخیر به رغم تمام سیاست گذاری های اجتماعی و برنامه ریزی های فرهنگی، به سمتی در حال حرکت است که روز به روز بر تعداد افراد مطلقه افزوده می گردد (نریمانی و همکاران،^{۱۳} ۱۳۹۳). گرایش به طلاق، به تمایل و علاقه برای گسستن پیوند زناشویی و خروج از این رابطه طی فرایند قانونی اشاره دارد. روزلت، جانسون و مورو^{۱۴} (۱۹۸۶)، گرایش به طلاق را در چهار بعد مطرح می کنند؛ این ابعاد شامل تمایل به خروج از رابطه، ابراز احساس، وفاداری و مسامحه است. بعد تمایل به خروج از رابطه به صورت فعال به بحث و تفکر راجع به مشکلات و فرایند طلاق می پردازد؛ سعی در جستجوی راه حل برای برون رفت از وضعیت فعلی را شامل می شود (روزلت، جانسون و مورو،^{۱۵} ۱۹۸۶). در رابطه با بعد ابراز احساس، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به طلاق نشان می دهد که وجود

6. David

7. Siffert & Schewartz

8. Dish & Taylor

9. DeVuijst

10. Rsbult, Johnson & Morrow⁰

1. nuclear family

2. single families

3. stepfamilies

4. González & Viitanen

5. Gattman & Levenson

(میرچی، چو، الیوت و اشنايدر، ۲۰۱۳) سطح پایین سلامت جسمانی و مشکلات شغلی (بالارد و همکاران، ۲۰۱۱) همچنین طرحواره‌ها نیز بر روابط زناشویی نیز تاثیرگذار است. طرحواره، بازنمایی انتزاعی خصوصیات متمایز کننده و عناصر برجسته یک واقعه است. بسیاری از طرحواره‌ها در اوایل زندگی شکل می‌گیرند و خود را به تجارب بعدی زندگی تحمیل می‌کنند، حتی اگر دیگر کاربرد نداشته باشند (ریزو و همکاران، ۱۳۹۰) طرح واره‌ها موجب سوگیری در تفسیر ما از رویدادها می‌شوند که در آسیب شناسی روانی بین فردی به صورت سوء تفاهم، نگرش تحریف شده، گمانه‌های نادرست و انتظارات غیرواقعی بینانه بروز می‌یابند (تیم، ۲۰۱۳). یانگ^۵ (۱۹۹۹) آن دسته از طرح واره‌ها را که به مشکلات روان شناختی منجر می‌شوند طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌نامد و معتقد است طرح واره‌ها، به الگوی خود تداوم بخش خاطرات، هیجانات، شناخت‌ها، حواس و ادراکات اطلاق می‌شود که رفتارها را هدایت می‌کنند. یانگ (۱۹۹۹) بر این باور است که طرحواره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند و مطابق با پنج نیاز تحولی کودک به پنج حوزه (۱- بریدگی و طرد، ۲- خودگردانی و عملکرد مختل، ۳- محدودیت‌های مختل، ۳- دیگر جهت مندی، ۴- گوش به زنگی بیش از حد و بازداری) تقسیم شده‌اند که هر کدام شامل چند طرحواره است. به عقیده برنشتاین^۶ (۲۰۰۵)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه اساساً در ماهیت و طبیعت روابط بین فردی است. هر مرحله تحولی جدید، نیازمند نقش‌ها، مسئولیت‌ها، توقعات شناختی و سازگاری‌های رفتاری است، بنابراین طرحواره‌ها و راهبردهای مقابله‌ای پیشین با چالش روبرو می‌شود (زارب، ۲۰۱۷). طرحواره‌هایی که در کنار آمدن با رویدادهای اوایل زندگی به کار رفته‌اند، در برخورد با رویدادهای بعدی زندگی نا کار آمد و گاهی ناسازگارانه هستند؛ بنابراین ممکن

رضایت عاطفی یعنی ابراز محبت و گفتگوی کلامی و انرژی عاطفی در روابط، منجر به کاهش گرایش به طلاق می‌شود (مختاری، میر فردی و محمودی، ۱۳۹۳). نقص در پاسخ‌دهی همدلانه و ابراز عواطف از عوامل مؤثر در بروز بی وفایی زناشویی است و به‌طور مستقیم بر کاهش رضایت زناشویی اثر می‌گذارد (براوو و لپکین، ۲۰۱۰).

در بررسی طلاق، عوامل متعددی تاثیرگذار است، عوامل مختلفی از جمله عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی شناختی برپدیده طلاق تاثیرگذار است. از میان این عوامل، عامل فردی طلاق بیشتر مورد توجه مشاوران خانواده و ازدواج قرار گرفته است که شامل ابعادی چون ویژگیهای ارثی، فیزیولوژیکی، ویژگیهای شخصیتی و روانی و آموخته‌ها می‌باشد (عرب، ابراهیم زاده و مروتی، ۲۰۱۵). از سوی دیگر ویژگیهای جمعیتی شناختی از دیگر عوامل مؤثر بر زندگی زناشویی است. سن زوجین، ازدواج در سنین پایین، یا داشتن تفاوت سنی زیاد زوجین تأثیر زیادی در حالات روانی و برنوع تبادلات و الگوهای تعاملی آنها دارد. جنسیت و تفاوت‌های فیزیولوژیکی و روانی ناشی از تفاوت‌های جنسی در زن و شوهر نیز از دیگر عوامل جمعیتی شناختی است. نحوه روابط زناشویی زوجین و نحوه مقابله با استرس‌های زندگی زناشویی نیز بر بروز پدیده طلاق تأثیر فراوانی دارد. طبقه اقتصادی اجتماعی زوجین و میزان درآمد آنها، تعداد فرزندان، میزان تحصیلات و دیگر متغیرهای جمعیتی شناختی از عوامل تأثیر گذار بر مشکلات زناشویی و احتمالی بروز طلاق می‌باشد (بالارد و همکاران، ۲۰۱۱). میزان طلاق در سراسر دنیا به‌طور فزاینده‌ای، روبه‌رشد است و وابسته به اشخاص، اثرات اجتماعی و اقتصادی می‌باشد که به‌طور گسترده‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است (کندریچ و درنتا، ۲۰۱۶) بعضی از پیامدهای حاصل از اختلال در ازدواج عبارتند از، همبستگی مثبت بین تعارض زناشویی و افسردگی

5. Yung

6. Bernstein

7. Zarb

1. Bavo & White Lumpkin

2. Kendrick & Drentea

3. Necki, Chou, Elliott & Schneider

4. Timm

و ژانگ^{۱۰} (۲۰۰۴) و زونگ و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۰) انعطاف پذیری شناختی را میزان ارزیابی فرد در مورد قابل کنترل بودن شرایط تعریف کرده اند که این ارزیابی در موقعیت های مختلف تغییر می کند. انعطاف پذیری شناختی فرد را قادر می سازد که در برابر فشارها، چالش ها و سایر مسائل عاطفی و اجتماعی برخورد مناسب و کار آمد داشته باشد. انعطاف پذیری شناختی، توانایی تغییر آمایه های شناختی به منظور سازگاری با محرک های در حال تغییر محیطی است، یعنی توانایی هایی مانند تغییر دیدگاه یا سازگاری انطباقی فرد با قوانین، تقاضاها با شرایط محیطی جدید (دنیز و واندروال، ۲۰۱۰؛ کاربنلا و تیم بانو، ۲۰۱۶). توانایی تغییر آمایه های شناختی به منظور سازگاری با محرک های در حال تغییر محیطی عنصر اصلی در تعاریف انعطاف پذیری شناختی است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵). افرادی که انعطاف پذیری شناختی دارند می توانند مشکلات و موقعیت های جدید را در سطوح مختلف بررسی کرده و گزینه ها و ایده های جایگزین را ارائه کنند (دیبری، ۲۰۱۲) و تحمل تعارض در آنها بیشتر است (مارتین و همکاران، ۲۰۱۱). انعطاف پذیری شناختی و سرسختی روانشناختی باعث افزایش شادکامی ذهنی افراد می شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴). افرادی که از انعطاف پذیری کمتری برخوردارند، به سختی می توانند یادگیری های اولیه خود را فراموش کنند، آنها بر یادگیری های قبلی خود که پیامدهای منفی برایشان دارد پافشاری می کنند و این پافشاری به سازگاری آنها با شرایط جدید آسیب می رساند (کاربنلا و تیم بانو، ۲۰۱۶).

کیفیت یک رابطه عاشقانه تا حد زیادی بر تجربه، بیان و مبادله هیجانات مثبت در مقابل منفی بستگی دارد (ریچارد، باتلر و گروس، ۲۰۱۳).^۴ ابرازات منفی (مانند نقد) می تواند به

است بر روابط بعدی اثر بگذارند و مانع رضایت زناشویی شوند (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱)؛ به عبارتی دیگر، زمانی که نیازها ارضا نشوند ممکن است طرحواره های ناسازگار اولیه خاصی ایجاد گردد که بر روابط صمیمانه اثر بگذارند. همچنین طرحواره ها به دلیل تأثیری که بر سبک های دلبستگی اختلالات شخصیت و اختلالات خلقی می گذارند، می تواند تأثیری غیرمستقیم بر روابط زناشویی داشته باشند (امیری و همکاران، ۱۳۹۱). یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی در یافتند که طرحواره های بی اعتمادی / بدرفتاری، معیارهای سخت گیرانه و بازداری هیجانی، طلاق را پیش بینی می کنند. اندوز و حمید پور (۱۳۸۵)، ذوالفقاری، فاتحی زاده و عابدی (۱۳۸۷)، برادبوری، فینچام و بیجا (۲۰۰۸)، ویشمن و دیلیسکی^۲ (۲۰۰۲)، استیلز^۳ (۲۰۰۴) و کلیفتون^۴ (۱۹۹۵) در پژوهش خود گزارش دادند که طرحواره های ناسازگار اولیه با کاهش ابراز صفات مثبت به همسر، صمیمیت پایین زناشویی، مشکلات بین فردی و رضایت زناشویی پایین رابطه دارد. منز، بریت و ولیبرکیونه^۵ (۲۰۱۰) نشان دادند که رابطه بین اضطراب دلبستگی و آسیب شناسی روانی به واسطه ی شناختهای به ویژه طرد و بریدگی و خود جهت دهی برقرار است.

یکی از متغیرهایی که با آسیب شناسی روابط زناشویی در ارتباط است، انعطاف پذیری شناختی^۶ است (گوتر و الیزابت، ۲۰۱۰). علی رغم اینکه پژوهش های مختلفی در مورد این سازه ی شناختی صورت گرفته است، اما در حال حاضر اتفاق نظری در مورد چگونگی تعریف این مفهوم وجود ندارد. به طور کلی، توانایی تغییر آمایه های شناختی^۸ به منظور سازگاری با محرک های در حال تغییر محیطی، عنصر اصلی در تعاریف عملیاتی انعطاف پذیری شناختی است (دنيس و وندروال، ۲۰۱۰).^۹ بعضی پژوهش ها گان، لیو

8. Cognitive sets

9. Danis & Vander

1. Gan, Liu, Zhang 0

1. Zng et al 1

1. Carbonella & Team Pano 2

1. Mtin et al 3

1. Rhards, Butler & Gross 4

1. Badbury, Fincham & Beach

2. Wisman & Delinsky

3. Siles

4. Gifton

5. ans, G. B., Breat, C., & Vlierberqne

6. Cognitive flexibility

7. Gatter, EM. Elizabeth

به دلیل اینکه اثر سه متغیر انعطاف‌پذیری شناختی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تنظیم هیجان با هم در پیش‌بینی گرایش به طلاق مورد تحلیل قرار نگرفته است این پژوهش بر آن بود که به بررسی تاثیر این سه عامل در احتمال طلاق بپردازد چرا که بررسی وضعیت انعطاف‌پذیری شناختی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تنظیم هیجان زوجین می‌تواند در شناسایی بهتر علل طلاق گام مهمی به شمار رود. بدیهی است یافته‌های بدست آمده از چنین مطالعاتی می‌تواند در دو حیطه پیشگیری و درمان، راهبردهای نوینی را در اختیار پژوهشگران، روان‌شناسان بالینی و دیگر علاقه‌مندان به این حوزه قرار دهند لذا پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در خطر طلاق و اثر تعدیل‌کنندگی الگوهای ارتباطی و سبک اسنادی زوجین بود، بنابراین محقق قصد داشت به سوال اساسی زیر پاسخ دهد، آیا پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی، تنظیم هیجانی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زوج‌های ایرانی ساکن ایران امکان‌پذیر است؟ آیا پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی، تنظیم هیجانی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در زوج‌های ایرانی مقیم کانادا امکان‌پذیر است؟

روش

این پژوهش از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ اجرا و شیوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی همبستگی است. جامعه آماری پژوهش تمامی زوجین ایرانی که در داخل ایران و مقیم کانادا هستند و ۵ سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته باشد. از بین جامعه آماری پژوهش، تعداد ۲۴۰ زوج (۱۴۰ زوج ساکن ایران و ۱۱۰ زوج ایرانی مقیم کانادا) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. ملاک‌های انتخاب افراد به‌عنوان نمونه، شامل موارد زیر می‌باشد:

افت کیفیت رابطه منجر شود (سوان، رنتفرو، گاسلینگ، ۲۰۱۳). افراد به‌طور منظم روابط مهم خود را از نظر هیجانی توصیف می‌کنند (آبوت، ۲۰۱۵)، هیجان چسبی است که زوجین را به هم پیوند می‌دهد و همچنین حلالی است که پیوندها را فرسوده می‌کند (گروس، ۲۰۰۸). درون روابط، هیجان در خدمت اهداف انطباقی بسیاری است اما زمانی که بیش‌ازحد شدت و دوام یابد یا متناسب بافت نباشد به تنظیم نیاز دارد. اختلافات بین گرایش پاسخ و رفتاری که نهایتاً بروز می‌یابد به این حقیقت اشاره دارد که ما پاسخ‌های عاطفی‌مان را تنظیم می‌کنیم (گروس، ۲۰۰۸)

مطالعات نشان داده‌اند که تنظیم هیجانی مطلوب با عملکرد مناسب در انجام تکالیف شناختی در بزرگسالان ارتباط دارد. حتی در خردسالان نیز، این توانایی با عملکرد خوب تحصیلی، مولد بودن، رفتار مناسب کلاسی، نمره‌های خواندن و ریاضی، رابطه مثبت دارد (میکائیلی منیع، ۱۳۹۲). توانایی تنظیم هیجان منجر به خلق و راهکارهای بهبود خلق‌وخو می‌شود. هیجان‌ها در تعیین مسیر زندگی کمک‌کننده هستند. آن‌ها نظام هشداردهنده‌ای را هنگام وجود یک تهدید برای ما فراهم و همچنین تجربیاتی در جهت تقویت رفتارها ایجاد می‌کنند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۲). راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان را می‌توان به‌عنوان عوامل مراقبتی و محافظتی در برابر سلامت روان مطرح نمود، این دسته از راهبردها با کاهش استرس ادراک شده، افزایش توان مقابله‌ای، کاهش بار هیجانی و افزایش توان شناختی در رویارویی با موقعیت‌ها، استفاده از راه‌حل‌های مختلف و متنوع در رویارویی با مشکلات و افزایش خودکارآمدی نقش مهمی در افزایش سلامت روان فرد دارد، این عامل در پیشینه پژوهشی درجوامع مختلفی مورد بررسی قرار گرفته از جمله اختلالات محور یک و دو روانپزشکی و بیماری‌های پزشکی، در تمامی این پژوهش‌ها به ارتباط این راهبردهای سازگارانه در سلامت روان افراد و شدت نشانه‌های اختلالات و بیماری‌ها اذعان شده است (آلدائو و نولن هوکسیما، ۲۰۱۲).

2. Abbott

1. Alao & Nolen-Hoeksema

1. Swann, Rentfrow & Gosling

گزارش کردند. این پرسشنامه توسط داوودی، اعتمادی و بهرامی (۱۳۸۸) در ایران هنجاریابی شد که میزان اعتبار آن با استفاده از شیوه آلفای کرونباخ برای کل نمونه $0/88$ ($0/89$) برای زنان و $0/87$ برای مردان) و میزان آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس تمایل برای خارج شدن $0/89$ ، ابراز احساسات $0/90$ ، وفاداری $0/86$ و مسامحه $0/72$ به دست آمده است؛ همچنین روایی پرسشنامه به صورت بررسی محتوایی توسط پنج متخصص روان شناسی و مشاوره بررسی شده که مورد تأیید بوده است.

پرسشنامه طرح واره یانگ (فرم کوتاه، ویرایش

سوم، ۹۰ گویه ای): این پرسشنامه توسط یانگ (۱۹۹۰) ساخته شد. پرسشنامه خود - گزارشی طرح واره های ناسازگار اولیه، دارای ۹۰ ماده است که ۱۸ حیطه از طرح واره های ناسازگار اولیه از قبیل محرومیت هیجانی، رهاشدگی / بی ثباتی، بی اعتمادی / بد رفتاری، انزوای اجتماعی / بیگانگی، نقص / بی مهری (بی عشقی) شکست در پیشرفت، وابستگی / بی کفایتی عملی، آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری، گرفتاری، اطاعت، ایثار (فداکاری)، بازداری هیجانی، معیارهای سختگیرانه، استحقاق داشتن / برتری داشتن، خویشتن داری / خود انضباطی ناکافی، تحسین / جلب توجه، نگرانی / بدبینی، خود تنبیهی را اندازه می گیرد. هر آیتم به وسیله مقیاس درجه بندی ۶ تایی نمره گذاری می شود (۱=کاملاً در مورد من نادرست است. ۲= تقریباً در مورد من نادرست است. ۳= مقداری درست است تا اینکه غلط باشد. ۴= اندکی در مورد من درست است. ۵= تقریباً در مورد من درست است. ۶= کاملاً در مورد من درست است). بنابراین نمره های این پرسشنامه با جمع نمرات ماده های هر مقیاس به دست می آید. به عبارت دیگر هر مقیاس دارای ۵ ماده است که نوع طرح واره ناسازگار اولیه را اندازه می گیرد. کمینه و بیشینه نمره های اندازه گیری طرح واره های ناسازگار اولیه بین ۱ تا ۶ می باشد، که نمره بالا حاکی از میزان بالای طرح واره های ناسازگار اولیه در آزمودنی ها است. در ایران علاوه بر هنجاریابی فرم کوتاه ویرایش اول (فرم ۷۵ سوالی) توسط آهی و بشارت (۱۳۸۶)،

➤ داشتن حداقل ۵ سال سابقه زندگی مشترک هم در بین زوج های ساکن ایران و هم زوج های مقیم کانادا

➤ داشتن حداقل ۳ سال سابقه اقامت در بین زوج های مقیم کانادا

➤ رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش

ملاک های خروج از پژوهش:

۱- عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش

۲- تحت درمان روانپزشک یا رواندرمانی بودن

ابزار گرد آوری اطلاعات

پرسشنامه جمعیت شناختی: این پرسشنامه شامل جنسیت، سن، تحصیلات، مدت آشنایی، نوع ازدواج، مدت زمان ازدواج و تعداد فرزند بود. که پایایی پرسشنامه فوق براساس آلفای کرونباخ $0/91$ محاسبه شد.

پرسشنامه گرایش به طلاق جانسون و مورو (۱۹۸۶):

این پرسشنامه توسط روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) طراحی شده است. که ۲۸ سؤالی می باشد و برای ارزیابی زوجین مستعد و متمایل به طلاق به کار می رود که دارای ۴ بعد است و هر بعد ۷ سؤال دارد. شامل بعد تمایل برای خارج شدن (متمایل به طلاق)، بعد تمایل به مسامحه، بعد ابراز احساسات و بعد وفاداری است. هر آیتم به وسیله مقیاس درجه بندی ۷ تایی نمره گذاری می شود (هرگز=۱، بندرت=۲، خیلی کم=۳، کم=۴، زیاد=۵، خیلی زیاد=۶، همیشه=۷)؛ بنابراین نمره هر بعد حاصل جمع نمرات سوالات مربوط به همان بعد است. نمره بالا در مؤلفه اصلی یعنی گرایش به طلاق حاکی از میزان بالایی تمایل به طلاق در آزمودنی ها است. چنانچه فرد در ابعاد ابراز احساسات و وفاداری نمرات بالایی کسب کند، نمره تمایل به طلاق در وی کاهش می یابد؛ نمره گذاری سوالات مربوط به این دو بعد جهت محاسبه نمره کل معکوس است. روزلت، جانسون و مورو در تحلیل آماری این پرسشنامه ضریب آلفا را برای بعد خارج شدن (متمایل به طلاق) ($0/91$)، بعد ابراز احساسات ($0/76$) بعد وفاداری ($0/67$) و بعد مسامحه ($0/86$)

(سوالات ۷ تا ۱۰) می‌باشد. پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت (هفت درجه ای)، از کاملاً مخالف (۱) و برای کاملاً موافق (۷) می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ برای ارزیابی مجدد (۰/۷۹) گزارش شده است و برای فرونشانی ۰/۷۳ و اعتبار بازآزمایی بعد از سه ماه و برای کل مقیاس ۰/۶۹ گزارش شده است (گراس و جان، ۲۰۰۳). ضریب همسانی درونی این مقیاس در کارمندان ایالتی و دانشجویان کاتولیک دانشگاه میلان برای ارزیابی مجدد در دامنه ای از ۰/۴۸ تا ۰/۶۸ و برای فرونشانی ۰/۴۲ تا ۰/۶۳ بدست آمده است. نسخه فارسی پرسشنامه تنظیم هیجانی گراس و جان در فرهنگ ایرانی توسط قاسم پور، ایل بیگی و حسن زاده (۱۳۹۱) مورد هنجاریابی قرار گرفته است. در این پژوهش، اعتبار مقیاس بر اساس روش همسانی درونی (با دامنه آلفای کرونباخ ۰/۶۰ تا ۰/۸۱) و روایی پرسشنامه مذکور از طریق تحلیل مؤلفه اصلی با استفاده از ($F=0/13$) و روایی ملاکی مطلوب گزارش شده است.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. بخش آمار توصیفی شامل جداول، نمودارها، میانگین و انحراف استاندارد می‌باشد و در بخش آمار استنباطی با توجه نرمال بودن داده‌ها و رعایت پیش فرض‌های پژوهش از ضرایب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

نتایج

یافته‌های جمعیت شناختی پژوهش حاضر نشان داد که از میان زوج‌های مقیم کانادا که در پژوهش حاضر هستند ۶۵ نفر زن و ۴۵ نفر مرد و در بین زوج‌های ایرانی ساکن ایران ۸۴ نفر زن و ۵۶ نفر مرد می‌باشند و از میان زوج‌های مقیم کانادا که در پژوهش حاضر هستند ۱۴ نفر فوق دیپلم، ۳۲ نفر کارشناسی، ۲۸ نفر کارشناسی ارشد و ۳۶ نفر دارای مدرک دکتری هستند و در بین زوج‌های ایرانی ساکن ایران ۱۱ نفر دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۱۷ نفر دیپلم، ۱۹ نفر فوق دیپلم، ۵۲ نفر کارشناسی، ۳۱ نفر کارشناسی ارشد و ۱۰ نفر دارای

فرم جدید ویرایش سوم (فرم کوتاه ۹۰ سوالی) که در این تحقیق استفاده شده، توسط یوسفی، اعتمادی، بهرامی و همکاران (۱۳۸۷) روایی و اعتبار پرسشنامه طرح واره های ناسازگار اولیه بر روی یک نمونه ۵۷۹ نفری در دو مرحله (مرحله اول ۳۹۴ و مرحله دوم ۱۸۵) بررسی شد. در این بررسی اعتبار پرسشنامه طرح واره های ناسازگار اولیه با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن در کل نمونه به ترتیب (۰/۹۱ و ۰/۸۶)، در دختران (۰/۸۷ و ۰/۸۴) و در پسران (۰/۸۴، ۰/۸۱) بود (یوسفی، اعتمادی، بهرامی و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین در این پژوهش پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ محاسبه شد.

پرسشنامه انعطاف پذیری شناختی دنیس و وندروال

(۲۰۱۰) (CFI): این پرسشنامه توسط دنیس و وندروال (۲۰۱۰) معرفی شده و یک ابزار خود گزارشی کوتاه ۲۰ سوالی است که برای سنجش نوعی از انعطاف پذیری شناختی که در موفقیت فرد برای چالش و جایگزینی افکار ناکارآمد با افکار کارآمدتر لازم است، به کار می‌رود که بر اساس مقیاس ۷ درجه ایی لیکرت نمره گذاری می‌شود. این پرسشنامه برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در کار بالینی و غیر بالینی و برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در ایجاد تفکر انعطاف پذیر در درمان شناختی رفتاری افسردگی و سایر بیماری‌های روانی به کار می‌رود. اعتبار همزمان این پرسشنامه برابر با ۰/۳۹- و روایی همگرایی آن با مقیاس انعطاف پذیری شناختی مارتین و رابین ۰/۷۵ بود (دنیس و وندر وال، ۲۰۱۰). در ایران شاره و همکاران (به نقل از سلطانی، شاره، بحرینیان و فرمانی، ۲۰۱۳) ضریب بازآزمایی کل مقیاس را ۰/۷۱ و ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰/۹۰ گزارش نموده‌اند. آلفای کرونباخ داده‌های این پرسشنامه در این پژوهش ۰/۷۵ بدست آمد.

پرسشنامه تنظیم هیجان گراس و جان (۲۰۰۳): این

مقیاس توسط گراس و جان (۲۰۰۳) تهیه شده است؛ مقیاس فوق از ۱۰ گویه تشکیل شده است که دارای دو خرده مقیاس ارزیابی مجدد (سوالات ۱ تا ۶) و فرونشانی

هیجانی با گرایش به طلاق در زوج های ایرانی ساکن ایران و زوج های ایرانی مقیم کانادا، از آزمون همبستگی و رگرسیون استفاده شد که نتایج مربوط به اجرای این آزمون ها در ادامه ارائه شده است.

مدرک دکتری هستند؛ همچنین از میان زوج های مقیم کانادا ۹۶ نفر در ایران و ۱۴ نفر در کانادا ازدواج کرده اند و تمامی زوج های ساکن ایران نیز در ایران ازدواج کرده اند. به منظور بررسی رابطه بین عوامل فرهنگی و اجتماعی طرحواره های ناسازگار اولیه، انعطاف پذیری شناختی و تنظیم

جدول ۲. توصیف آماری نمرات متغیرهای پژوهش

کشیدگی	کجی	انحراف معیار	میانگین	
0.556	0.886	16.2936	52	بریدگی و طرد
0.530	0.985	13.2171	36.024	خودگردانی و عملکرد مختل
-0.430	0.001	7.8575	29.012	محدودیت مختل
0.480	0.372	12.3260	43.183	دیگر جهت مندی
0.768	0.651	15.7407	55.378	گوش به زنگی و بازداری
0.236	-0.272	16.1807	104.634	انعطاف پذیری شناختی
0.411	-0.177	9.0226	45.427	تنظیم هیجانی
0.263	0.900	22.9178	81.098	گرایش به طلاق

در جدول ۱ توصیف آماری نمرات مربوط به متغیرهای طرحواره های ناسازگار اولیه، انعطاف پذیری شناختی، تنظیم هیجانی و گرایش به طلاق، شامل میانگین و انحراف معیار نمرات به همراه شاخص های کجی و کشیدگی ارائه شده است. با توجه به اینکه مقادیر چولگی و کشیدگی داده ها بین +۲ و -۲ می باشد نتیجه گرفته می شود داده ها در سطح ۰/۰۵ از توزیع بهنجار برخوردارند.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین عوامل اجتماعی-فرهنگی، طرح واره‌های ناسازگار اولیه، انعطاف‌پذیری شناختی و تنظیم هیجانی با گرایش به طلاق

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱-بریدگی و طرد															
۲-خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۸۳۵**														
۳-محدودیت مختل	۰/۵۱۶**	۰/۳۸۴**													
۴-دیگر جهت‌مندی	۰/۶۸۹**	۰/۶۱۳**	۰/۵۷۷**												
۵-گوش به زنگی و بازداری	۰/۶۷۷**	۰/۶۳۸**	۰/۶۴۷**	۰/۷۶۳**											
۶-انعطاف‌پذیری شناختی	۰/۴۷۲	۰/۶۰۴	۰/۰۷۰	۰/۲۵۶	۰/۲۸۶										
۷-تنظیم هیجانی	۰/۳۰۲	۰/۳۴۵	۰/۰۱۱	۰/۱۶۰	۰/۲۵۰	۰/۲۳۸*									
۸-جنسیت	۰/۲۱۵	۰/۱۶۳	۰/۲۰۹	۰/۰۱۸	۰/۲۰۴	۰/۱۳۹	۰/۰۸۹								
۹-سن	۰/۰۹۷	۰/۱۲۱	۰/۰۰۳	۰/۰۵۹	۰/۰۶۱	۰/۰۳۶	۰/۰۱۴	۰/۱۴۱							
۱۰-تحصیلات	۰/۰۷۶	۰/۰۶۱	۰/۰۳۵	۰/۱۲۲	۰/۰۷۰	۰/۲۹۵**	۰/۱۷۷	۰/۲۵۹	۰/۰۰۴						
۱۱-مدت آشنایی	۰/۱۶۰	۰/۱۵۹	۰/۰۲۵	۰/۰۲۱	۰/۰۰۳	۰/۲۷۵*	۰/۰۵۵	۰/۱۴۶	۰/۰۷۰	۰/۰۶۷					
۱۲-نوع ازدواج	۰/۰۵۰	۰/۰۷۳	۰/۰۴۰	۰/۰۴۶	۰/۰۴۵	۰/۰۱۹	۰/۱۰۹	۰/۰۰۴	۰/۰۲۷	۰/۱۱۳	۰/۱۰۷				
۱۳-مدت زمان ازدواج	۰/۲۵۸*	۰/۲۳۶*	۰/۰۱۷	۰/۲۱۶	۰/۲۱۳	۰/۱۱۷	۰/۰۳۷	۰/۰۳۴	۰/۷۴۱**	۰/۰۴۸	۰/۱۷۰	۰/۰۰۱			
۱۴-تعداد فرزند	۰/۰۰۴	۰/۰۳۳	۰/۰۷۴	۰/۰۹۲	۰/۰۲۰	۰/۰۴۶	۰/۰۷۴	۰/۲۱۶	۰/۳۷۸**	۰/۱۹۳	۰/۱۷۲	۰/۱۹۶	۰/۵۲۲**		
۱۵-گرایش به طلاق	۰/۳۴۶**	۰/۴۵۵**	۰/۱۹۸	۰/۳۴۲**	۰/۲۱۵	۰/۳۹۰	۰/۲۴۴	۰/۱۴۹	۰/۰۳۰	۰/۰۷۵	۰/۰۸۷	۰/۱۶۱	۰/۱۵۱	۰/۱۵۶	

* معنی داری در سطح ۰/۰۵ ** معنی داری در سطح ۰/۰۱

همزمان استفاده شد. برای بررسی استقلال باقی مانده‌ها از آماره دوربین-واتسون استفاده شد. مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۲/۱۲۰ بدست آمد که با توجه به اینکه مقدار آن در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد می‌توان گفت پیش فرض استقلال باقی مانده‌ها رعایت شد. برای بررسی وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین از شاخص‌های تحمل و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد، که با توجه به نتایج بدست آمده انحرافی از مفروضه همخطی چندگانه مشاهده نشد.

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲ ضریب همبستگی بین طرح واره‌های ناسازگار اولیه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل و دیگر جهت‌مندی با گرایش به طلاق مثبت و همبستگی بین انعطاف‌پذیری شناختی و تنظیم هیجانی با گرایش به طلاق منفی و در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار است ($p < 0/01$). همبستگی بین سایر متغیرها با گرایش به طلاق نیز معنی دار نمی‌باشد ($P > 0/05$). به منظور پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس عوامل اجتماعی-فرهنگی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، انعطاف‌پذیری شناختی و تنظیم هیجانی، از آزمون رگرسیون چندگانه به صورت

جدول ۳. تحلیل رگرسیون برای پیش بینی گرایش به طلاق از طریق عوامل اجتماعی- فرهنگی، طرح واره های ناسازگار اولیه، انعطاف پذیری شناختی و تنظیم هیجانی

سطح معنی داری	مقدار F	مجذور R	R	سطح معنی داری	ضرایب استاندارد				
					t	Beta	خطای استاندارد	B	ضرایب استاندارد نشده شده
۰/۰۱	۲/۹۴۵	۰/۳۸۴	۰/۶۲۰	0.040	2.098		35.529	74.524	ثابت
				0.360	-0.922	-0.193	0.293	-0.270	بریدگی و طرد
				0.037	2.132	0.451	0.366	0.781	خودگردانی و عملکرد مختل
				0.040	2.092	0.299	0.420	0.878	محدودیت مختل
				0.183	1.347	0.242	0.333	0.448	دیگر جهت مندی
				0.031	2.203	0.414	0.273	0.601	گوش به زنگی و بازداری
				0.130	-1.534	-0.219	0.202	-0.310	انعطاف پذیری شناختی
				0.123	-1.562	-0.170	0.277	-0.432	تنظیم هیجانی
				0.183	1.345	0.159	5.492	7.385	جنسیت
				0.531	-0.629	-0.097	0.390	-0.246	سن
				0.262	1.131	0.129	1.991	2.251	تحصیلات
				0.419	0.814	0.087	0.128	0.104	مدت آشنایی
				0.168	1.395	0.145	3.653	5.095	نوع ازدواج
				0.548	.604	0.105	0.443	0.268	مدت زمان ازدواج
				0.327	.987	0.123	2.868	2.830	تعداد فرزند

با توجه به نتایج جدول ۳ مقاداره آماره $F=۲/۹۴۵$ در سطح $۰/۰۱$ معنی دار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت متغیرهای پیش بین توانایی پیش بینی متغیر ملاک یعنی گرایش به طلاق را دارند. ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرهای پیش بین با گرایش به طلاق ($۰/۶۲۰$) می باشد. این متغیرها در مجموع $۳۸/۴$ درصد از تغییرات گرایش به طلاق را پیش بینی می کنند.

از بین متغیرهای پیش بین، خودگردانی و عملکرد مختل ($p<۰/۰۵$) و گوش به زنگی و بازداری ($\beta=۰/۴۵۱$)، $p<۰/۰۵$) به صورت مثبت و معنی داری گرایش به طلاق را پیش بینی می کنند. سایر متغیرهای پیش بین نیز قادر به پیش بینی گرایش به طلاق نمی باشد ($p>۰/۰۵$).

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه عوامل اجتماعی- فرهنگی و انعطاف پذیری شناختی و تنظیم هیجانی و طرح واره های ناسازگار اولیه با گرایش به طلاق در زوج های ایرانی ساکن ایران و مقیم کانادا بود. به منظور بررسی رابطه بین سن با گرایش به طلاق در زوج های ایرانی ساکن ایران و زوج های ایرانی مقیم کانادا، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. که نتایج نشان داد که با توجه به عدم معنی داری ضریب بدست آمده نتیجه گرفته می شود که بین سن و گرایش به طلاق رابطه ای وجود ندارد؛ همچنین با توجه به عدم معنی داری ضریب بدست آمده نتیجه گرفته می شود

می کند که میزان شناخت و آشنایی پیش از ازدواج یکی از پیش بینی های قوی سازگاری زناشویی است (صیادپور، ۱۳۹۵).

نتایج آزمون همبستگی نیز نشان داد که میان انعطاف پذیری روانشناختی با گرایش طلاق زوجین ارتباط منفی معنی دار وجود دارد و انعطاف پذیری روانشناختی قادر است به طور منفی طلاق زوجین را تبیین کند. در این خصوص نیز تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است ولی در تبیین نتایج حاصله می توان بیان داشت که یکی از عواملی که سبب سازگاری هر چه بیشتر انسان با نیازها و تهدیدهای زندگی است و با سلامت روان رابطه نزدیک دارد، انعطاف پذیری روانشناختی می باشد. انعطاف پذیری روان شناختی به توانایی افراد برای تمرکز بر موقعیت فعلی و استفاده از فرصتهای آن موقعیت برای گام برداشتن در جهت اهداف و ارزش های درونی به رغم حضور رویدادهای روانشناختی چالش برانگیز با ناخواسته اشاره دارد (هیز، لوین، پلامپ - ویلاردگا، ویلیت و پیستورلا، ۲۰۱۳). افراد دارای انعطاف پذیری روان شناختی بالا رفتارشان را در هر موقعیت، بیشتر بر اساس ارزش ها و اهدافشان و کمتر بر اساس رویدادهای درونی یا وابستگی های موقعیت فعلی شان نشان می دهند (بوند و همکاران، ۲۰۱۱، کاتز، زیچ و اورسیلو، ۲۰۱۴). نتایج پژوهش های مهین ترابی (۱۳۹۰) و اپستین، چن و بیدر - کامجو (۲۰۰۵) نشان داده است که انعطاف پذیری روان شناختی پیش بینی کننده معنی داری برای کیفیت روابط زناشویی است. صداقت خواه و بهزادی پور (۱۳۹۶) در پژوهش خود با عنوان پیش بینی کیفیت روابط زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی، ذهن آگاهی و انعطاف پذیری روانشناختی نشان داد که انعطاف پذیری روان شناختی بیشترین تأثیر را در پیش بینی کیفیت روابط زناشویی دارد. با توجه به یافته های پژوهش حاضر، می توان نتیجه گرفت که الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف پذیری روانشناختی از عوامل تأثیر گذار در طلاق هیجانی زوجین می باشد؛ بنابراین یافته های پژوهش حاضر را می توان در پیشگیری از طلاق زوجین به کار بست.

همچنین نتایج حاکی از آن بود که بین تنظیم هیجان و گرایش به طلاق را به منفی و معکوس وجود دارد که این نتایج از یک سو در راستای نتایج پژوهش های ابوت (۲۰۰۵)، باتلر و همکاران

که بین مدت زمان ازدواج و گرایش به طلاق رابطه ای وجود ندارد. نتایج دیگر آزمون پیرسون چنین بود که بین میزان تحصیلات و گرایش به طلاق رابطه ای وجود ندارد و که بین تعداد فرزندان و گرایش به طلاق رابطه ای وجود ندارد؛ و با توجه به عدم معنی داری مقدار F بدست آمده می توان نتیجه گرفت که بین گرایش به طلاق افرادی که از طریق دوستی، بصورت سنتی و بصورت فامیلی ازدواج کرده اند تفاوت معنی داری وجود ندارد. در بررسی روابط بین مولفه های جمعیت شناختی و گرایش به طلاق از لحاظ آماری رابطه معنی داری پیدا نشد که یافته ای همسو با این یافته ها مشاهده نشد. تحقیقات مختلف بیانگر این واقعیت است که زوج هایی که تحصیلات خوبی ندارند یا تفاوت تحصیلات قابل توجهی داشته بیشتر در خطر انحلال زناشویی قرار دارند (بنی جمالی و همکاران، ۱۳۹۱؛ مولوی، ۱۳۹۰)

شکر کن و همکاران (۱۳۹۳) در نتایج خود بیان می کنند زوج هایی که تحصیلات خوبی ندارند و یا تفاوت تحصیلی آنان قابل توجه است، میزان آشنایی آنها از هم دیگر کم و بلوغ عاطفی کمتری دارند. این افراد نمی توانند در مقابل تغییرات فشارزای زندگی به خوبی عمل کنند لذا کمتر از بودن با یکدیگر لذت برده و کمتر برای همدیگر جاذبه دارند، که این خود می تواند خطر انحلال رابطه زناشویی را به دنبال داشته باشد. آنها همچنین بیان کردند که افراد با عملکرد شغلی پایین و درآمد اقتصادی کمتر در معرض طلاق بیشتری می باشند. همچنین در نتایج افشارزنجانی و همکاران (۱۳۸۹) وجود مشاوره قبل از ازدواج از علل کاهش طلاق به دست آمد که با نتایج تحقیق افشار زنجانی و همکارانش هم خوانی دارد. آنها در تحقیق خود نیز پیشنهاد مشاوره قبل از ازدواج را راهی برای شناسایی اختلالات روانی و کاهش طلاق بیان نمودند. در مقایسه بین زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی چنین نشان داده شد که طلاق در ازدواج غیرفامیلی بیشتر دیده می شود. گرچه ازدواج های فامیلی با افزایش بیماری های مادرزادی همراه است (موحدیان، ۱۳۹۱)؛ ولی به دلیل آشنایی و شناخت قبل از ازدواج میزان طلاق کمتر دیده می شود. که البته به نتایج مشابهی در این زمینه دست پیدا نکردیم. اما صیاد پور بیان

روشنی روی تعاملات زوجین می گذارند، اختلاف رابطه ای نیز می تواند افرادی را که ثبات عاطفی بالایی دارند دچار مشکل کند. تنظیم نامناسب هیجان درون فردی موجب به وجود آمدن تنظیم نامناسب بین فردی و بالعکس می شود.

نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین طرحواره های ناسازگار اولیه با گرایش به طلاق رابطه وجود دارد که یافته های حاصل از این بخش با یافته های لعل زاده و همکاران (۱۳۹۶)، حاماچی (۲۰۰۶)، حمیدپورواندروز (۲۰۰۰)، ذوالفقاری و همکاران (۲۰۰۸)، یوسفی و همکاران (۲۰۰۷) همسو و همخوان می باشد. در تبیین این یافته می توان بیان کرد که افزایش این طرحواره ها با افزایش طلاق همراه است. هر چه حضور طرحواره های اولیه افزایش یابد، رضایت و صمیمیت زناشویی کاهش می یابد. با توجه به نظر یانگ و براون (۲۰۰۵) طرحواره های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب رسان هستند که حاصل برآورده نشدن نیازهای اساسی در محیط اولیه کودک در ارتباط با پدر و مادر است و در سیر زندگی تکرار می شوند و بر نحوه تعبیر و تفسیر تجارب و رابطه با دیگران تأثیر می گذارند، از آنجا که طرحواره های ناسازگار ناکارآمدند، نارضایتی و عدم صمیمیت در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می کنند و به همین خاطر است که طلاق ایجاد می شود. همچنین رابطه طرحواره به گرایش به طلاق یافته های حاصل از این بخش با یافته های آزادبخت و وکیلی (۱۳۹۲) همسو و همخوان می باشد. در تبیین دیگر می توان بیان کرد که از نظر یانگ کسانی که طرحواره شان در حوزه طرد و بریدگی قرار دارد، چنین افرادی نمی توانند دلبستگی ایمن و رضایت بخشی با دیگران ایفا کنند و بر این باورند که نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد. طرحواره های ناسازگار موجب سوگیری هایی در تفسیر وقایع می شوند، این سوگیری ها در آسیب شناسی روانی به صورت سوء تفاهم ها، نگرش های تحریف شده، فرض های غلط، اهداف و انتظارات غیر واقع بینانه در بین زوجین تجلی پیدا می کنند و این سوء برداشت، ادراکها و ارزیابی های بعدی (زندگی مشترک را تحت تاثیر قرار می دهد؛ زیرا طرح واره ها در مسیر زندگی تداوم دارند، به رابطه

(۲۰۰۳)، گاتمن و لوینسون (۲۰۰۰)، ریچاردز، باتلر، گراس (۲۰۰۳) دانهام (۲۰۰۸) و تاشیرو (۲۰۰۵) بوده است. این پژوهشگران در پژوهش های خود دریافتند که بین تنظیم هیجانی و نارضاقت زناشویی و طلاق رابطه وجود دارد و تنظیم هیجانی قادر به پیش بینی کیفیت روابط زناشویی، رضایت زناشویی و طلاق می باشد. از سوی دیگر نتایج این پژوهش مغایر با نتایج پژوهش فردیس و والس (۲۰۰۷) می باشد، این پژوهشگران در پژوهش خود گزارش دادند که بین بیان هیجانی و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد. تنظیم هیجان در روابط زناشویی و عاشقانه یک ضرورت می باشد (رایان و همکاران، ۲۰۰۲)، تنظیم هیجان در روابط بسیار است؛ در تعارضات زناشویی، انتقام گرفتن و کینه جای خود را به سازگاری داده است؛ آنها هیجان منفی خود را تنظیم و پاسخ مثبت می دهند. افراد دارای بی ثباتی هیجان و تکانشگری، همسران نامطلوبی در نظر گرفته می شوند، در حالی که افراد دارای ثبات و هیجان باز و بیانگر، دارای روابط شادتری هستند. به این ترتیب روشن است که تنظیم هیجان یک اصل مهم در تعیین کیفیت رابطه است. در زندگی اغلب زوج ها اختلافاتی پیش می آید اما نحوه مدیریت این تکانه های هیجانی مهم است. بسیاری از زوجین با مهار بیان هیجان خود از طریق صورت و تن صدا به طوری که همسرشان نمی داند که در حال تجربه چه هیجانی هستند، به رابطه ادامه می دهند. در حقیقت هیجان خود را سرکوب می کنند. سرکوب هیجان زوجین منجر به تجربه ذهنی منفی و رفتار منفی و غلط و همچنین منجر به برانگیختگی زیاد و اظهارات منفی می شود. بل و کالکینس (۲۰۰۰) اشاره می کنند که روابط هم ورودی و هم خروجی هایی برای تنظیم هیجان هستند. روابط به عنوان بافت رشدی اولیه برای اکتساب موفق مهارت های تنظیم هیجان عمل می کنند. بالعکس، مهارت های تنظیم هیجان پیش نیازی برای درگیری کامل در روابط اجتماعی می باشند. افرادی که بدون داشتن این مهارت ها وارد بزرگسالی و زندگی زناشویی می شوند دچار مشکل می گردند. روابط دوسویه بین تنظیم نامناسب هیجان و پریشانی روابط زوجین اغلب کم ارزش تلقی می شود. درست همان گونه که تنظیم نامناسب هیجان فشار منفی

زوجین در آستانه طلاق، باید جانب احتیاط رعایت شود؛ همچنین در این پژوهش مانند هر پژوهش انسانی دیگر، محیط زندگی، شغل، شرایط اجتماعی و اقتصادی افراد از موارد تأثیرگذار بر نتایج پژوهش است. بنابراین در تعمیم نتایج آن به کل جامعه می‌بایست احتیاط شود. با توجه به تأیید نقش تنظیم هیجان در پیش‌بینی طلاق پیشنهاد می‌شود، آموزش تنظیم هیجان به‌عنوان عامل مؤثر مورد توجه قرار گیرد؛ همچنین با توجه به تأیید نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق، پیشنهاد می‌شود آموزش طرحواره‌های ناسازگار اولیه، به‌عنوان آموزش‌های ضروری پیش از ازدواج و در مشاوره‌های زوج مورد توجه قرار گیرد، و اینکه با توجه به تأیید نقش انعطاف‌پذیری شناختی در پیش‌بینی طلاق، پیشنهاد می‌شود بررسی سطح انعطاف‌پذیری شناختی زوجین در مشاوره ازدواج مورد توجه قرار گیرد.

ی فرد با خود و با دیگران (به خصوص شریک زندگی) مربوط می‌شوند و طرحواره‌های ناسازگار به شدت ناکارآمد بوده و موجب نارضایتی زناشویی گردیده و زمینه را برای اختلاف و طلاق فراهم می‌کنند. طرحواره بریدگی و طرد در خانواده‌هایی شکل می‌گیرد که بی‌عاطفه، سرد، مضایقه‌گر، منزوی، تندخو، غیر قابل پیش‌بینی یا بد رفتار هستند. زوجینی که طرحواره‌هایی در این حوزه دارند نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند که نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد. پژوهش حاضر نیز به مانند تمامی پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی روبرو بوده است؛ از محدودیت‌های این پژوهش می‌تواند به استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی جهت گردآوری داده‌ها و تعمیم‌ناپذیری نتایج پژوهش حاضر به تمامی افراد اشاره نمود. از آنجایی که این پژوهش بر روی طلاق انجام شده، لذا در تعمیم یافته‌های پژوهش به سایر شیوه‌های اختلاف زناشویی مانند

منابع

- آرین فر، نیره، پورشهریاری، مه‌سیما. مدل معادلات ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و متغیر میانجی سبک‌های عشق‌ورزی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۳۹۶؛ ۸(۲۹): ۱۳۴-۱۰۷.
- آقایوسفی، علیرضا، فتحی آشتیانی، علی، علی‌اکبری، مهناز، حمیدرضا ایمانی‌فر، حمیدرضا. اثربخشی ساختارگرایی بر تعارضات زناشویی، سبک‌های اسناد و بهزیستی اجتماعی. روانشناسی بالینی و شخصیت، ۱۳۹۹؛ ۱۳(۲): ۱۱۵-۱۲۸.
- حاجی حیدری، زهرا؛ اسمعیلی، معصومه؛ طالبی، ابوتراب. تعارضات زناشویی زوجین فاقد فرزند در آستانه طلاق: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۱۳۹۴، ۴(۱): ۲۱-۱۲.
- رستمی چنگیز، جهانگیر لو اکرم، احمدیان حمزه، سهرابی احمد. نقش انعطاف‌پذیری شناختی و ذهن آگاهی در پیش‌بینی اهمال کاری دانشجویان. مجله علوم پزشکی زانکو. ۱۳۹۵؛ ۱۷(۵۳): ۵۰-۶۱.
- صداقت‌خواه، عاطفه؛ بهزادی‌پور، ساره. پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی براساس باورهای ارتباطی، ذهن آگاهی و انعطاف‌پذیری روانشناختی در فرهنگ ایرانی. اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، آسیب‌شناسی روانی و تربیت، تهران، دانشگاه الزهراء. ۱۳۹۶.
- عباسی، محمدباقر؛ علیزاده، مرجان؛ امیدوار شلمانی، صدیقه؛ حسینی، سیدمحمد؛ خطیبی آمنه و صفاکیش، محدثه. طلاق در ایران. سازمان ثبت احوال کشور، تهران. ۱۳۹۷.
- فولادی، اصغر و شاه‌نعمتی گاوگانی، نویده. بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی (تبریز). جامعه پژوهی فرهنگی. ۱۳۹۴، ۶(۲)، ۱۰۹-۹۳.

لعل زاده، انسیه، اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد، حصار سرخی، ربابه. بررسی نقش طرحواره های ناسازگار اولیه در پیش بینی طلاق عاطفی. روان شناسی بالینی، ۱۳۹۴؛ ۷(۲): ۱۰۸-۱۰۱.

مهین ترابی، س. تأثیر آموزش شناختی- رفتاری بر تعدیل انتظارات غیرمنطقی، بلوغ عاطفی و نارضایتی زناشویی در زنان. مجله بین المللی علوم رفتاری، ۱۳۹۰؛ ۵(۲): ۱۳۳-۱۲۷.

میکائیلی نیلوفر، رحیمی سعید، صداقت مهرناز. نقش الگوهای ارتباطی خانواده، ساختار انگیزشی و انعطاف پذیری روان شناختی در پیش بینی طلاق هیجانی زوجین. آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده. ۱۳۹۷؛ ۴(۱): ۱-۱۶.

نریمانی، محمد، عباسی، مسلم، بگیان، محمد جواد، بختی، مجتبی. مقایسه اثربخشی دو رویکرد آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) و روایت درمانی گروهی بر تعدیل طرح واره های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق. مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱۳۹۳؛ ۴(۱): ۲۹-۱.

- Abbott, B. V. *Emotion dysregulation and re-regulation: Predictors of relationship intimacy and distress* (Doctoral dissertation, Texas A&M University), 2005.
- Arab, S. M., Ebrahimzadeh Pezeshki, R., & Morovati Sharifabadi, A. Designing a meta-synthesis model of factors affecting divorce by systematic review of previous studies. *Iranian Journal of Epidemiology*, 2015, 10(4), 10-22.
- Bahari, F. Interpersonal relationship conflict management style and marital conflict divorce city of Esfahan. *Counseling Research and Developments*, 2011, 10(39), 125-38.
- Ballard, R. H., Holtzworth-Munroe, A., Applegate, A. G., & D'Onofrio, B. (2011). Factors affecting the outcome of divorce and paternity mediations. *Family Court Review*, 49(1), 16-33.
- Bernstein, D. P. Schema therapy for personality disorders. *Handbook of personology and psychopathology*, 2005, 462-477.
- Bond, F. W., Hayes, S. C., Baer, R. A., Carpenter, K. M., Guenole, N., Orcutt, H. K., ... & Zettle, R. D. Preliminary psychometric properties of the Acceptance and Action Questionnaire-II: A revised measure of psychological inflexibility and experiential avoidance. *Behavior therapy*, 2011, 42(4), 676-688.
- Bravo, I. M. & White Lumpkin, P. The complex case of marital infidelity: An explanatory model of contributory processes to facilitate psychotherapy. *The American Journal of Family Therapy*, 2010, 38(5), 421-432.
- Butler, E. A., Egloff, B., Wilhelm, F. H., Smith, N. C., Erickson, E. A., & Gross, J. J. The social consequences of expressive suppression. *Emotion*, 2003, 3(1), 48.
- Carbonella, J. Y., & Timpano, K. R. Examining the link between hoarding symptoms and cognitive flexibility deficits. *Behavior therapy*, 2016, 47(2), 262-273.
- de Vuijst, E., Poortman, A. R., Das, M., & van Gaalen, R. Cross-sibling effects on divorce in the Netherlands. *Advances in Life Course Research*, 2017, 34, 1-9.
- Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive therapy and research*, 2010, 34(3), 241-253.
- Dunham, S. M. *Emotional skillfulness in African American marriage: Intimate safety as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction* (Doctoral dissertation, University of Akron), 2008.
- Dush, C. M. K., & Taylor, M. G. Trajectories of marital conflict across the life course: Predictors and interactions with marital happiness trajectories. *Journal of family issues*, 2012, 33(3), 341.
- Epstein, N. B., Chen, F., & Beyder-Kamjou, I. Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. *Journal of marital and family therapy*, 2005, 31(1), 59-74.
- Fardis, M., & Waltz, J. *Emotion regulation and the quality of romantic relationships*. Unpublished master's thesis, University of Montana, Missoula, 2004.
- Gan, Y., Liu, Y., & Zhang, Y. Flexible coping responses to severe acute respiratory syndrome-related and daily life stressful events. *Asian Journal of Social Psychology*, 2004, 7(1), 55-66.
- Goetter, E. M. An Empirical Investigation of Depressive Rumination: Implications for Cognitive Flexibility. *Problem Solving and Depression*, 2010.
- González, L., & Viitanen, T. K. The effect of divorce laws on divorce rates in Europe. *European Economic Review*, 2017, 53(2), 127-138.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*, 2000, 62(3), 737-745.
- Hamamci, Z. Dysfunctional relationship beliefs in marital conflict. *Journal of rational-emotive and cognitive-behavior therapy*, 2005, 23(3), 245-261.

- Hamidpoor, H., & Andooz, Z. The relationship between early maladaptive schema, attachment style and marital satisfaction in couples. In *Second Congress of Family Pathology in Iran*.2000.
- Hayes, S. C., Levin, M. E., Plumb-Villardaga, J., Villatte, J. L., & Pistorello, J. Acceptance and commitment therapy and contextual behavioral science: Examining the progress of a distinctive model of behavioral and cognitive therapy. *Behavior therapy*,2013, 44(2), 180-198.
- Katz, A. M., Czech, S. J., & Orsillo, S. M. Putting values into words: An examination of the text characteristics of values articulation. *Journal of Contextual Behavioral Science*,2014, 3(1), 16-20.
- Kendrick, H. M., & Drentea, P. Marital adjustment. *Encyclopedia of Family Studies*,2016, 1-2.
- Martin, M. M., Staggers, S. M., & Anderson, C. M. The relationships between cognitive flexibility with dogmatism, intellectual flexibility, preference for consistency, and self-compassion. *Communication Research Reports*,2011, 28(3), 275-280.
- Mirecki, R. M., Chou, J. L., Elliott, M., & Schneider, C. M. What factors influence marital satisfaction? Differences between first and second marriages. *Journal of Divorce & Remarriage*,2013, 54(1), 78-93.
- Nimtz, M. A. Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: A phenomenological study (Doctoral dissertation). Retrieved from Liberty University. (1496).2011.
- Richards, J. M., Butler, E. A., & Gross, J. J. Emotion regulation in romantic relationships: The cognitive consequences of concealing feelings. *Journal of social and personal relationships*,2003, 20(5), 599-620.
- Rusbult, C. E. Johnson, D. J. & Morrow, G. D. Impact of couple patterns of problem solving on distress and nondistress in dating relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*,1986, 50(4), 744.
- Ryan, K. D., Gottman, J. M., Murray, J. D., Carrère, S., & Swanson, C. 13 Theoretical and Mathematical Modeling of Marriage. *Emotion, development, and self-organization: Dynamic systems approaches to emotional development*,2002, 349.
- Sbarra, D. A., & Coan, J. A. Divorce and health: Good data in need of better theory. *Current opinion in psychology*,2017, 13, 91-95.
- Siffert, A., & Schwarz, B. Spouses' demand and withdrawal during marital conflict in relation to their subjective well-being. *Journal of Social and Personal Relationships*,2011, 28(2), 262-277.
- Tashiro, T. Positive emotion and attributions in close relationships (Doctoral dissertation, University of Minnesota, 2005). *Dissertation Abstracts International*,2005, 65, 4307.
- Thimm, J. C. Early maladaptive schemas and interpersonal problems: A circumplex analysis of the YSQ-SF. *International journal of psychology and psychological therapy*,2013, 13(1), 113-124.
- Titelman, P. *Emotional cutoff: Bowen family systems theory perspectives*. Routledge.2014.
- Young, J. E. *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Professional Resource Press/Professional Resource Exchange.1999.
- Young, J. E., & Brown, G. Young Schema Questionnaire-Short Form; Version 3. *Psychological Assessment*.2005.
- Zarb, J. M. *Developmental cognitive behavioral therapy with adults*. Taylor & Francis.2017.
- Zolfaghari, M., Fatehi Zadeh, M., & Abedi, M. R. Determining relationships between early maladaptive schemas and marital intimacy among Mobarakeh Steel Complex personnel. *Journal of family research*,2008, 4(3), 247-61.
- Zong, J. G., Cao, X. Y., Cao, Y., Shi, Y. F., Wang, Y. N., Yan, C., ... & Chan, R. C. Coping flexibility in college students with depressive symptoms. *Health and Quality of Life Outcomes*,2010, 8(1), 66.

*Original Article***Predicting the tendency to divorce based on socio-cultural factors, cognitive flexibility, emotional regulation and early maladaptive schemas in Iranian couples living in Iran and Canada**

Received: 29/03/2021 - Accepted: 09/11/2021

Freshteh Tanhaei Noghabi ¹
 Aliakbar Samari ^{2*}
 Hamid Nejat ³

¹ PhD Student, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Assistant Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

³ Assistant Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email:
 draliakbarsamari@yahoo.com

Abstract

Introduction: The purpose of the present study was to predict the tendency to divorce based on cognitive flexibility, emotional regulation and primary maladaptive schemas in Iranian couples living in Iran and living in Canada.

Materials and Methods: In terms of purpose, this research is a part of applied research, and in terms of implementation and method of data collection, it is a correlational descriptive type. The statistical population of the research is all Iranian couples who are inside Iran and reside in Canada and 5 years have passed since they lived together. Among the statistical population of the research, 240 couples (140 couples living in Iran and 110 Iranian couples living in Canada) were selected using available sampling method. In order to collect data from Johnson and Morrow's (1986) Divorce Propensity Questionnaire, Young's Schematic Questionnaire (short form, third edition, 90 items), Dennis and Vanderwaal's (2010) Cognitive Flexibility Questionnaire (CFI) and Gross and John's Emotion Regulation Questionnaire (2003) was used. In order to analyze the data, correlation and regression tests were used, and the results of the correlation test showed that there is no relationship between cultural and social components with couples' divorce, and the relationship between initial incompatible schemas with a tendency towards positive divorce and the correlation between cognitive flexibility and adjustment An emotion with a tendency to divorce is negative.

Results: The results of the regression test showed that the cultural and social components are not able to predict the divorce of couples and that the value of the standardized regression coefficient (Beta) for cut and rejection is equal to -0.236, self-management and impaired performance is equal to 0.432, limitation Impairment equals 0.187, other orientation equals 0.348, alertness and inhibition equals 0.388, cognitive flexibility equals 0.212, and emotional regulation equals 0.155.

Conclusion: According to the value of t-statistic obtained from among predictor variables, self-management and impaired performance, other orientation and heeding and inhibition positively and significantly predict the tendency to divorce.

Key words: tendency to divorce, cognitive flexibility, emotional regulation, early maladaptive schemas